

# ذبح مشرعه

مروری بر اتفاقات مشروطیت

و

شهادت شیخ فضل الله نوری

مهاجرت کبیر

شروع انحراف

انحراف دوم

آغاز مخالفت شیخ

فتنه روسی و کودتا

ذبح مشرعه

اسلام زیر بیرق کفر نمی رود

مهمان رسول الله

پرچم استیلای غرب زدگی

رقص مردم بی خبر

نتیجه جدایی از رهبر دینی

# ذبح مشروعه

## مروری بر اتفاقات مشروطیت و شهادت شیخ فضل الله نوری

نهضت مشروطیت در زمانی شکل گرفت که مردم پس از دو شکست پیاپی از روسیه و عقد دو قرارداد ننگین ترکمانچای و گلستان و برقراری کاپیتولاسیون به ضرر ملت ایران از بی کفایتی شاهان و خاندان سلطنت به ستوه آمده بودند و از طرفی دریافت وام‌های سنگین از دول خارجی و ظلم و ستم عمال حکومت و اخذ نزدیک به چهل نوع مالیات مشکلات اقتصادی فراوانی را ایجاد کرده بود.

یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری مشروطیت تحرک روحانیون و آگاه ساختن مردم بود که باعث شد اعتراض غیرفعال مردم به اعتراض فعال تبدیل شود. اولین کمیته‌ای که برای انقلاب مشروطیت تشکیل شد زیر نظر ۳ روحانی برجسته یعنی آیت‌الله شیخ فضل الله نوری (۱)، آیت الله سیدعبدالله بهبهانی و آیت الله سید محمد طباطبایی کار خود را آغاز نموده و شب‌نامه‌هایی منتشر ساختند.

عده‌ای از اعضای کمیته و مردم بازداشت شدند و «نونوز» بلژیکی نیز با پوشیدن لباس روحانیت به تمسخر آنان پرداخت. مردم بانک روس را ویران کردند و بازار تعطیل شد. در زد و خوردهای بین مردم و مامورین چند نفر کشته شدند و شیخ فضل‌الله نوری به همراه دو سید روحانی ذکر شده در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. تعداد زیادی از روحانیونی که افشاگری می‌کردند بازداشت شدند در حمله نیروهای دولتی به یک مسجد «یکصد نفر» کشته شدند.

### مهاجرت کبیر

حدود هزار نفر از علما و شیخ فضل‌الله نوری به قم مهاجرت نموده و در آن‌جا متحصن شدند. این حرکت تمام ایران را به جنبش‌آورد و علما و مردم شهرها به حمایت از مهاجرین خاستند.

### شروع انحراف

استعمار انگلیس که انقلاب را کاملاً مردمی و رهبر آن را روحانیت می‌دید در جهت انحراف نهضت تلاش‌های زیادی انجام داد. این تلاش باعث ایجاد انجمن‌های چپی و غیبی با حضور فراماسون‌ها شد. همین افراد همزمان با مهاجرت کبیر، به سفارت انگلیس رفته و در پناه حمایت انگلستان متحصن شدند. این متحصنین با برنامه‌ریزی سفارت انگلیس ظرف ده روز به سیزده تا بیست هزار نفر رسیدند. سفارت توسط سربازان محاصره شد ولی پیوستن سربازان به متحصنین مظفرالدین شاه را نگران کرد و در نهایت فرمان مشروطه امضا شد.

### انحراف دوم

چون انتخابات شهرستان‌ها با وجود حکام مستبد ممکن نبود، اولین جلسه مجلس اول، تنها با حضور نمایندگان تهرانی که از روحانیون، بازرگانان، کشاوران و پیشه‌وران انتخاب شده بودند تشکیل شد.

در این میان تعدادی شاهزاده و اعیان و اشراف هم به مجلس راه یافتند که همگی

تحصیل کرده‌ی غرب بودند و متأسفانه تدوین قانون اساسی هم به همین عده سپرده شد.

کسروی در «تاریخ مشروطه ایران» پس از نقل جریان افتتاح مجلس شورای ملی می‌نویسد: «... چون می‌بایست "نظامنامه داخلی" نوشته می‌شد، کسانی از نمایندگان را برای نوشتن آن نامزد گردانیدند. در این میان "قانون اساسی" نیز نوشته می‌شد.» سپس راجع به نویسندگان قانون اساسی و چگونگی آن می‌نویسد: «گویا مشیرالملک و مؤتمن‌الملک پسران صدراعظم آن را می‌نوشتند! یا بهتر بگوییم ترجمه می‌کردند.»

### آغاز مخالفت شیخ

این مسأله همان سرآغاز اختلاف و اعتراض و جدایی شیخ فضل‌الله از جریان نهضت مشروطیت و مخالفت با حکومت مشروطه است. مرحوم شیخ در نامه‌ای به یکی از علمای شهرستان‌ها می‌نویسد: «... آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید...»

اختلاف با مشروطه‌خواهان آنگاه جدی می‌شود که مسأله‌ی بررسی قانون اساسی و تطبیق آن با شرع، توسط علما آغاز می‌گردد. شیخ فضل‌الله در این‌باره با اشاره به قانون اساسی می‌نویسد: «... وقتی را صرف این کار با جمعی از علما کردم و به‌قدر میسور تطبیق به شرع، یک درجه شد ... لیکن فرقه که زمام امور حلّ و عقد مطالب و قبض و بسط مهامّ کلیه به‌دست آنها بود مساعدت نمی‌کردند بلکه صریحاً و علناً گفته‌اند که ممکن نیست مشروطه منطبق شود با قواعد الهیه و اسلامیة و با این تصحیحات و تطبیقات دول خارجه ما را به‌عنوان مشروطه نخواهند شناخت.»

شیخ فضل‌الله این امر را که مجلس بتواند صرفاً به استناد رأی اکثریت حتی بر خلاف قوانین و احکام شرعی، قانون وضع نماید، مردود می‌داند و متقابلاً موافقت خود را با مجلسی که با رعایت احکام اسلام، قانون وضع نماید، اعلام داشته و در یکی از

بیانات خویش، موضع و مقصود خود را چنین اعلام می‌دارد: «... ایها الناس من به هیچ وجه منکر مجلس شورای ملی نیستم... صریحاً می‌گویم... که من آن مجلس شورای ملی را می‌خواهم که عموم مسلمانان آن را می‌خواهند. به این معنی که البته عموم مسلمانان مجلسی می‌خواهند که اساسش بر اسلامیت باشد و بر خلاف قرآن و بر خلاف شریعت محمدی (ص) و بر خلاف مذهب مقدس جعفری، قانونی نگذارد. من همچنین مجلسی می‌خواهم.»

در این زمان حمله مطبوعات - که اکثر آن‌ها در اختیار روشنفکران غربزده و فراماسون وابسته به انگلیس بود - به مبانی دینی و اخلاقی مردم آغاز شده و با نظر شیخ در خصوص مشروعه بودن مشروطه به مخالفت می‌پردازند.

به‌دلیل همین وضعیت شیخ فضل‌الله به همراه تعدادی از روحانیون به‌عنوان اعتراض به حرم حضرت عبدالعظیم مهاجرت می‌نماید و با سخنرانی‌ها و انتشار لوایح در صدد بر ملا ساختن مقاصد آن گروه از دست اندرکاران مشروطه که رشته‌ی امور را در دست گرفته و بدون تعهد به اسلام جریانات را به جانبی که خویش می‌خواستند هدایت می‌کردند، اقدام می‌نماید. چنان‌چه در یکی از لوایح منتشر شده از سوی مهاجرین آمده است: «ای مسلمانان کدام عالم است که می‌گوید مجلسی که تخفیف ظلم نماید و اجراء احکام اسلام کند، بد است و نباید باشد. تمام کلمات راجع است به چند نفر لامذهب بی‌دین آزادی‌طلب که احکام شریعت قیدی است برای آن‌ها. می‌خواهند نگذارند که رسماً این مجلس مقید شود به احکام اسلام و اجراء آن.»

و در همین اوضاع و شرایط است که شیخ فضل‌الله فریاد برمی‌دارد: «... چرا این‌همه جرائد پر از کفر را که سبب تضعیف عقاید مسلمین بود، منع نمی‌کردند...».

مهاجرین در اعتراض دیگری، با اشاره به جریان مراسم جشن سالگرد صدور فرمان مشروطیت، فریاد برداشتند: «... آن همه کتیبه‌های زنده باد، زنده باد و (زنده باد مساوات) و (برادری و برابری). می‌خواستید یکی را هم بنویسید (زنده باد شریعت)،

(زنده باد قرآن)، (زنده باد اسلام) ...».

### فتنه روسی و کودتا

روس‌ها که متوجه شدند جریان مشروطه و مجلس در دست انگلیسی‌ها افتاده است برای حفظ نفوذ خود در ایران از محمدعلی شاه حمایت کردند تا مشروطه را باطل اعلام کرده و مجلس را تعطیل کنند. این حرکت منجر به قیام دوم مشروطه که قیام مسلحانه بود شد و در نهایت به شکست محمدعلی شاه و فرار او از ایران انجامید.

### ذبح مشروعه

پس از فرار شاه عوامل انگلیسی که شیخ فضل‌الله را مانع بزرگی بر سر راه خود می‌دیدند با استفاده از جو موجود در جامعه، شیخ را به بهانه مخالفت با مشروطه و تهمت همدستی با شاه محاکمه نموده و اعدام کردند.

### اسلام زیر بیرق کفر نمی‌رود

وقتی منزل شیخ فضل‌الله نوری توسط مشروطه‌خواهان محاصره شد. یک نفر از سفارت روس وارد خانه شد و از ایشان خواست که به سفارت روسیه پناهنده شود. اما شیخ به شدت مخالفت کرد، بعد، آن شخص اظهار کرد که اگر حاضر نمی‌شوید بیایید لااقل پرچم را بالای در خانه نصب نمایید. باز هم شیخ فضل‌الله جواب داد که «اسلام زیر بیرق کفر نمی‌رود» و فرمود: «آیا رواست که من پس از هفتاد سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده‌ام حالا بیایم بروم زیر بیرق کفر؟»

### مهمان رسول الله

در آستانه اعدام، یکی از رجال وقت با عجله برای او پیغام آورد که شما این مشروطه را امضا کنید و خود را از کشتن برهانید. ایشان در جواب گفت: «دیشب رسول خدا را در خواب دیدم فرمودند: فردا شب مهمان منی و من چنین امضایی نخواهم کرد».

### پرچم استیلای غرب‌زدگی

مرحوم جلال آل‌احمد در کتاب خدمت و خیانت روشنفکران می‌نویسد: «من نیش آن بزرگوار را بر سرِ دار همچون پرچمی می‌دانم که به علامت استیلای غرب‌زدگی پس از ۲۰۰ سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد».

### رقص مردم بی‌خبر

امام خمینی (ره) درباره‌ی این حادثه فرموده‌اند: «... یک نقشه‌ای بود که نقشه هم تأثیر کرد و نگذاشت که مشروطه به آن طوری که علمای بزرگ طرحش را ریخته بودند، عملی بشود. به آنجا رساندند که آنهایی که مشروطه‌خواه بودند به دست یک عده کوبیده شدند، تا آنجا که مثل مرحوم حاج شیخ فضل‌الله نوری در ایران برای خاطر این که می‌گفت باید مشروطه مشروعه باشد و آن مشروطه‌ای که از غرب و شرق به ما برسد قبول نداریم، در همین تهران به دار زدند و مردم هم‌پای او رقصیدند یا کف زدند».

### نتیجه جدایی از رهبر دینی

و مقام معظم رهبری در خصوص پایان این تراژدی فرموده‌اند: «با شهادت شیخ فضل‌الله نوری و جدایی مردم از علما و رهبران دینی، چند سال بعد، مشروطه بدون مشروعه، در حکومت رضاخان نمایان شد که حاصل آن کشف حجاب، مخالفت با دین، ظلم و ستم و ... بود که این خود بزرگ‌ترین درس است برای عدم جدایی مردم از فرمان‌های رهبر دینی؛ همچنان که اکنون دشمنان، تمام سعی خود را بر جدایی مردم از رهبر و ولی‌فقیه عادل معطوف کرده‌اند».

پی‌نوشت:

۱- اگر بگوییم رهبر اصلی نهضت مشروطیت شیخ فضل‌الله نوری بوده است، سخن به خطا نگفته‌ایم. ایشان از شاگردان برجسته میرزایی شیرزای (رهبر نهضت تنباکو بود که به دستور ایشان پس از تکمیل تحصیلات به تهران بازگشت و یکی از اصلی‌ترین عناصر موفقیت نهضت تنباکو بود. ایشان از علمای هم‌رزم خود در نهضت مشروطیت برجسته‌تر بود و حضور ایشان باعث همراهی بسیاری از علما و مردم با نهضت مشروطیت شد.